

کوهستان

ناشر
مبتدئ

دوشنبه	۲۴ تیر ۱۳۶۵
۴	۱۵ شعبان ۱۳۶۵
۴	۱۵ زویه ۱۹۴۶

روزنامه هجرت دست حزب و جمعی پستی ندارد

روزهای دوشنبه منتشر میشود

نتیجه مذاکرات ادر سقز باید دید

مختصری در باره تلگراف آقای آصف

صبح روز سه شنبه گذشته، آقای قاضی محمد پس از فریب دو هفته توقف در تبران، با هواپیمای سوئی تریز عزیمت نمودند و با وجود اینکه قریب یک هفته از عزیمت ایشان میگذشت هنوز از طرف دولت راجع به مذاکرات و نتایج آن اظهاری نشده است.

آقای قاضی محمد و مذاکرات ایشان با دولت برای بحث در اطراف وضع مهاباد و کردستان شمالی نبوده زیرا سر و دست این ناحیه را دولت ضمن موافقت نامه ای که با ایالت آذربایجان امضاء نموده تعیین و تثبیت کرده و جز اقدامات و توافق نظرهای محلی مذاکرات مرکزی ضرورتی نداشته است.

لذا این تحت که نگذریم اوضاع سقز و باه و سرحدت و تمرکز قوای دولتی در این نواحی جلب توجه نمیشاید سرور و احوال و تصادفات هائی که اخیراً اهمیت نهضت کردستان شمالی و اروهن تر نموده از همین ناحیه و از تناسی نیروهای دولتی با قوای دموکراتیک - چپه میگرد و قطعاً یکی از مسائلی که مورد علاقه دولت بوده و خواست بنحو رضایت بهتر حل شود همین موضوع بوده است.

اگر بایستی امری برگشته توجه نماییم خواهیم دید که در تمرکز قوا در این ناحیه دولت پیشقدم بوده و در موافقی که دموکرات های کردستان قوایی در قسمت های شمالی ناحیه سقز و باه و سرحدت نداشته اند با شتاب عیبی لشکر کردستان تحویل میشد و سبیل سرباز و مهمات بود که باین نواحی اعزام می گردید در همان موقع بدولت وقت تذکر دادیم که تمرکز قوا در منطقه سقز موجب خواهد شد که از کردستان شمالی هم در مقابل نیروی های اعزامی مرکز قوای برای مدافعه احتمالی فرستاده شود و طولی نخواهد کشید که اوضاع این ناحیه بوضعت خواهد رفت ولی مانند تمام پیش بینی هائی که راجع به کردستان نموده و بوضع راه چاره آنرا به دولت ها پیشنهاد کرده ایم و گوش ندادند باین تذکر هم توجهی ننند و عاقبت هم دیدیم نتایج حاصله چه بود.

اگر چه با زحم تلاش های معتضرات برای کشتن حقایق ادامه دارد و کسانی که مدت بیست سال خاطر مبارک

آسوده باد « را شمار خود فرار داده بجای تذکر معایب و نواقص، تناخوئی را بنظور اغفال دولت و مردم هنوز پیشه خود دارند و باز در این مواقع حساس با حیات مملکت بازی میکنند ولی ما که از اول انتشار روزنامه یاهر نامه ای در صفحات کردستان مبارزه کرده ایم با وجود نشانه روی های دقیق این مداحان که مرتباً ما را هدف تیر های مستقیم و غیر مستقیم خود قرار داده اند دست از راه دورش خود بر نمی داریم و باز سابقین تلخ را در صفحات همین روزنامه مستحکم میکنیم تا شاید روزی نهرهای شیرین از آن برگیریم.

وضعیت منطقه سقز شاید باین طریق حل شود که رفته رفته دولت قوای نظامی متمرکز در این ناحیه را از آنجا غرا خوانده و دموکرات های کردستان هم کم و بجهان نسبت از نیروی خود بکاهند تا آن منطقه دارای بادگان هائی مانند قبل از ۳۲۰ گردد.

حال در این موقع که حل این موضوع باین کیفیت پیش بینی میشود خوب است نظری به تاریخچه چند ماهه این منطقه بیافکنیم.

در مهاباد نهضتی بوجود آمده بود که مورد پس و نفرت دولت های گذشته بود باین سبب آن سیرفت که این نهضت هم به جنوب سرایت کرده بدوا در منطقه سقز و بعداً به طرف شهرستان سنندج و بعد هم قدری یالین تر باید دولت وقت برای جلوگیری از این سرایت بهترین راه را این تشخیص داد که با سدی از آهن فولاد و توپ و تفنگ مانع گردد تا در موقع مقتضی هم اگر ترواست از همین وسیله برای محو و نابودی این نهضت استفاده نماید.

از همین ساعت هزینه اردو کشی بکردستان در بودجه وزارت جنگ هرس اندام نمود و ارقام آن روز بروز رو با افزایش رفت و قطعاً از میلیونها تومان هم گذشته ولی اگر بیرسیم این رقم تا بحال بچه میزان بالغ شده قطعاً فرمان قطع زبان ماسادر خواهد گشت بنابراین ما این سؤال را می کنیم و نه اگر هم سؤال کنیم حقیقت را ساخواهد گشت از همین ساعت زندگی نسبتاً آرام سقز مختل گشت آسایش از مردم سلب شد فعالیت آغاز گردید دهات در زیر بار تعدی و بران و نابود و وحیت بیچاره شد، تجارت از میان رفت ققرو بر پاشی

تلگرافی را که آقای آصف مهاباد کرده بود در هفته گذشته از نظر خوانندگان گذرانیدیم و چون تلگراف در موقعیکه صفحات روزنامه بسته می شد واصل گردید بحث در اطراف آنرا به این شماره موکول نموده بودیم قبل از اینکه نظریه خود را با اطلاع خوانندگان برسانیم خوب است عقیده یکی از جوانان پسر سقز و اصلاح طلب کردستان را که قطعاً همکاران زیادی دارد در این موضوع برای شما در اینجا نقل نمایم.

دوست ما که در باره کردستان مستوای گشت بنا بر این ناراضیتر همومی ایجاد کردید

از همین ساعت دموکرات های کردستان که دست خریف را خوانده بودند سیرو های خود را در شیط این منطقه متمرکز نمودند و هر قدر بر میزان نیروی دولتی اضافه می شد آنها هم بر قوای خود می افزودند. باین ترتیب مقدمات تصادم های غیر منتظره فراهم شد در همین مواقع ماسی نوشتیم توپ و تفنگ قایمه ندارد، اعمال زور نتیجه نخواهد رسید سعی کنید از راه اصلاحات قلب مردم را بدست بیاورید اگر قلب هزار مسخر گردید بر همه چیز فائق آمده اید می گفتم عشایر کردستان جنوبی را بخیال اینکه برای جنگ با دموکرات ها در صف اول فراد دعیه مسلح نکنید بگذاردید اینها بکار زرع و زندگی خود مشغول باشند کسی گوش نداد تا دو هفته قبل عده ای از آنها را غلغ صلاح کردند کسی نبود پرسد چرا اصلاح دادید و چرا حالا می گیرید.

این مذاکرات ما بنده آنهاییکه کینه ها درخته بودند که از بول این لشکر کشی ها آنها را برنمایند خوش نمی آمد آنها مخالف مایودنه زیرا ما می گفتم این خرجبازا در راه فرهنگ هموس و عمران و آبادی بشاید و بیم داشته که روزی دولتی بعرف ما گوش دهد از اینجست از هر طریقی که میتواند ما را مخالف ارتش و نوشته های مارا موجب تضعیف ارتش می خوانند جدا تبلیغ می کردند که ما باین کیفیت معرفی شویم مخالف از اینکه در نوشته های ماجز حقیقت و صلاح ارتش چیزی ننمودند آنها ارتش را جبارت از خود منافع خود، شکم های گنده و طبع و اشتباهی سرشار خود بطوردن بول می دانستند در صورتی که ما ارتش را در سازمانی که حافظ

تعبیر فوق العاده و قابل ستایشی دادند بزرگترین آرزوی اصلاح کردستان و سعادت مندی کردستانیان است در باره تلگراف آقای آصف اینطور میگفت: « این تلگراف بنظر من مسافه برنامه دولت های گذشته است که با آسوتامی تقدیم مجلس می شد ظاهراً بسیار خوب و فریبنده و در

هنر صفر است چشم من از این اظهارات آبانی خود و توضیحاتی هم که شما وعده کرده اید در روزنامه کوهستان بدهید سی شادت به بحث و کلا در اطراف برنامه دولت نخواهد بودی جهت خودراخت و فرسوده می کنید جوش زیادی میزیند وقت خود را تلف می نماید بالاخره هم نتیجه مثبتی برای کردستان بدست نخواهد آمد.»

مانا اندازای بدو - تخود سقز می دهیم زیرا او هم مثل همه مساعدا بسیار شنیده و عملی ندیده و حق دارد که به همه چیز بدین و از هر اظهاری ناامید باشد ولی اگر شخص بنخواهد همیشه ناامید بقیه در صفحه ۸

مملکت و ملت باشد می دانیم امران بدستار و وطن پرست همیشه مورد احترام ما بوده و کسی نمی تواند در تمام مندرجات روزنامه کوهستان عبارتی پیدا کند که یکی از افسران پاکدامن و با تدبیر عملی شده باشد هر چه حمله شده بکسانی بوده که بنام اسیر باعث ننگ ارتش شده اند عذر رقم تمام این تبلیغات ما این مبارزه مقدس خود را آنقدر ادامه خواهیم داد تا مسبین بدبختی و سیر روزی کرد و کردستانی سپای میز عدالت کشیده شوند و آنقدر خواهیم کوشید که این ابرهای ضخیم ابهام و کشتن از روی حقایق برداشته شده چهره واقعی کردستان چون آفتاب نمایان گردد از مظلم قدری دور شدیم بخوانیم بدانید در مقابل مایبون ها که خرج شده، ناراضیاتیهای عمومی که فراهم گشته، کشته ها که داده شده چه نتیجه ای باید مملکت گردیده است و حال که ظاهراً موجباتی برای اینه شدت باقی نمانده و دولت از نزدیک با فاکر حزب دموکرات کردستان آشنا شده چه رویی در تمام کردستان و خصوصاً منطقه سفر انضاد خواهد شد و نتیجه عملی مذاکرات چه خواهد بود، بقیه ما اولین نتیجه را باید در منطقه سقز جستجو نمود. آآینه چه نشان دهد

تفسیر سیاست هفته

دنیا و ایران در هفته پیش

سرنوشت جهان

بزرگترین آروام انقلابی و تیران جهانی که در قضایای سیاسی جهان چه پیش از جنگ اخیر و چه پس از پایان آن چه تاکنون انجام شده و بهمان اینکه بدون سر و صدا و اعتراض برای وحدت کامل سیاسی و اجتماعی ملل گیتی و زمینه‌ای جهت هم آهنگی و هدفگیری کلیه ملیت‌های مختلف آماده میگردد.

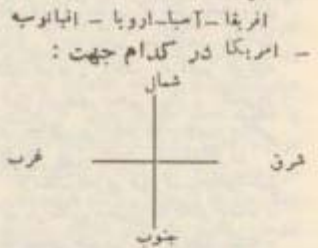
ما در هفته پیش نوشتیم علی‌رغم کوششهایی که بنده کج فکر برای ترف و اقیانیت و درگون کردن حقایق سیاسی جهان مبذول میدارم -

و نوع جنگ دیگری بصورت جنگ گذشته غیر قابل قبول است و برای اثبات نظریه خود، منظره از دورنمای امپراتوری بریتانیا و گوشه از ساختمان جهان آینده را که هماهنگی و صمیمیت غیر قابل انکاری ذاتاً و طبیعتاً در آن وجود دارد ترسیم و شناختن برای اینکه ضمن یک فصل و بحث رمانتیک افکار خوانندگان خود را بساهیت و اساس بروپاکانه «دوروزاری باختر» که برای پوشاندن حقایق، با سر سخن و نهاد عیبی، حتی پدیده‌های مسلم اجتماع و مسیر جبری تاریخ را نیز درگون جلوه میدهند، و عده گردیم که جریانات سیاسی در منطقه‌ای را که طبق ادها و نظر منطقی بروپاکاندهست های امپریالیسم صحنه جنگ آینده خواهد بود و طوفان نبردهای جهانی سوم و تنه باد حوادث سیاسی آینده از آن در منطقه شروع و دیار محکوم نیستی نفسی میکند تشریح ننموده و شناخت نایستیم این افکار بی ادب جز یک ابدال معسوره چیز دیگری نیست

؟

جنگ جهانی سوم از کجا شروع خواهد شد؟!

از: آفریقا - آسیا - اروپا - ایلیاوسه - آمریکا در کدام جهت:



و آیا این ده منطقه صحنه جنگ آینده خواهند بود یا خیر؟

فلنشین - مصر - اسپانیا

آلمان - چین - هند - یونان

ایتالیا - ژاپن - و یا یک نقطه نامعلوم دیگر ...

بدین است اگر جنگی اتفاق بیفتد، از این پنج قطعه و از آن چهار جهت و غیر از این ده صحنه و با آن

یک قطعه نامعلوم دیگر بیرون نخواهد بود.

راست است که این مناقض نقش مهمی را در تغییر ماهیت دنیای فنی بازی میکند و سرنوشت جهان کنونی و بلوک آنگلو آمریکان بستگی به پایستی متوجه سود که چرخ تاریخ کم کم شرایط نوینی را بوجود آورده است که این ملل با یک سلسله مبارزات سختی تا بهر خود می‌خواهند سیاستهای قدیمی را معمو و یا آنرا تغییر دهند

تعویلات میفر که در هر گوشه دنیا مرتباً و یکی پس از دیگری بشهود می رسد و عواملی که «بگونه ملل استکان می‌دهد که همه نیروهای خود را برای یک مبارزه و جهاد ملی و استقلال واقعی خود مورد استفاده قرار دهند، عواملی هستند که حوزه عمل بلوک آنگلو آمریکان را محدود و بالنتیجه مفهوم رژیم کینه اجتماعی این دولت را که با سرعت دوار انگیزی در سرآشپه سونامی افتاده نابود می‌کند

بهر حال معلوم شد که نوع جنگ نوینی امکان پذیر نیست و با این احوال جهانی نوین بوجود خواهد آمد که بشریت و تمدن را بر پایه صلح و مینمی استوار و قیود امپریالیزم را خواهد شکست چون اینده موضوع مسلم شد ما از این بعد بحث معتضی از موقیت سیاسی و نقش عظیم این چند کشور را در دوره ای که سیر تکاملی تاریخ مشمول پنا و ساختمان و تحکیم و توسعه بنای جهانی آزاد و آباد است

تشریح و صحنه‌های دلچسپ را برای خوانندگان خود از هفته آینده مجسم می‌کنیم

در ایران ماجه میگذرد؟

دو تیر و - دوهدف

دو هدف

هر چه انتخابات نزدیکتر می شود انوار عقیلت از زیر سروش های موقتی ساختگی نمایان تر می گردد

در تمام مراحل سیاسی اخیر، چه آن مراحلی که گذشته و چه در دورهای که اکنون شاهد جریان و سیر آن هستیم پایلی جریانات مترقی یک سری فعالیتهای پنهانی و پشت پرده ای مشاهده میشود که هر فرد واقفین را نسبت بسه آینده کمی دودل و بدبین می‌کند

در جریان سیاسی هفته های اخیر کم کم دوتیر و بادو هدف و در دوصف پدید می آید البته هنوز آشکارا در برابر یکدیگر خود آرا می‌کنند

این تجبیر کرچه خیلی معنیانه انجام می‌گیرد ولی خواه ناخواه تا یک ماه و یکماه و نیم دیگر که فعلاً فرمان انتخابات صادر خواهد شد عینی خواهد گردید و برای ترسیم و تجسم این دو صف باید در ضمن اینکه عناصر متخ روزهای آخر مجلس چهاردهم را بیاد

آورد فعالیتهای متفی عناصری را که در بنا برده‌های گذر قانون از آن موقع شروع جنبش نموده‌اند در حساب منظور و شناختن یعنی از شخصیت‌های منفرد و رانیز با آن جمع و تقویت سیاست جهانی امپریالیزم را بر آن اضافه کرد ولی در مقابل این مداخلات نامشروع باید رستاخیز ملی اخیر یعنی ائتلاف احزاب ملی را که بر طبق یک نقشه همین و معلوم انجام گرفته و با یکدیگر می‌آید و اطمینان همراه است بتوان یک رقم تضمین از آن کسرتنود بسایین جمع و تفریق سیاسی در ضمن اینکه هر یک از این دو نیرو مستقل از دیگری شروع بنظا هر می‌کنند باید به ناپودی کامل نیروهای فرزند و نسو توسعه افکار و نیروی آزادی ابدوار بود پس

بهر تقصیر چون ایجاد جبهه مؤتلف احزاب آزاد خواهد در آرایش انتخاباتی آینده در عین اینکه صرف اصلی ترین محاسبه اجناسی است خود نقطه مقابل و سنگر معکس است برای خرد کردن مؤسسات حریف از هر نظریه منتظر بود که برای تأمین آزادی و استقلال و تقسیم دموکراسی در کلیه نقاط ایران دو آینده سیاسی نزدیک ائتلاف مهمتری بین جبهه مؤتلف احزاب آزاد خواهد و حزب دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان و حزب دموکرات ایران اگر از آرایش صادق بیرون آید ملی و یک جبهه واحد می‌تشکیل گردد.

در غرب چه خبر است؟

پس از مراجعت رهبر حزب دموکرات کردستان هنوز خبری از غرب نرسیده ولی باید منتظر نتیجه مذاکرات در منطقه شرق بود

نظر کلی به رویداد جهان

کنفرانس پاریس و مسئله آلمان

کنفرانس پاریس پایان رسیده در چند روز آخر آن بیشتر مذاکرات این کنفرانس در حول محور آلمان و ارتیش دور میزده است. در جلسات نهایی کنفرانس موفقیه این موضوع مطرح بود. مویس مولوتف از طرح پیشنهادی برز استماع و اظهار نمود که باید بجای ۲۵ سالیکه در این طرح برای خلع سلاح آلمان پیش بینی شده تا ۱۰ سال این رقم افزایش یابد. مولوتف ضمناً اظهار نمود که برای تکمیلاری صلح بیش از هر چیز باید بسته لزوم خلع سلاح کامل و از بین بردن روح نظامی آلمان و همچنین تحت بازرسی گذاردن تمام صنایع آلمان که ممکن است برای تهیه اسلحه بکار رود توجه گردد.

مسئله یون نیز طرحی را پیشنهاد نمود که در بازه آلمان بتوان یک واحد اقتصادی رفتار شود و محصول آن کشور بصورت تعادل در هر چهار منطقه متصرفی توزیع گردد.

بهر حال فرانسه در آخرین دفاعی کنفرانس با پیشنهاد آمریکا موافقت و رفیق مولوتف نیز با سهم تعیینی ژنرال سنگ فرانسه روی موافقت نشان داد و ضمیمه متعلقه ساز نیز روشن شد و بطور کلی عملیات سیاسی این کنفرانس را

اینطور میتوان کلاسه نمود.

۱ - در مورد مستمرات ایتالیا تصمیم کلی گرفته نشد

۲ - ترست یک منطقه بین المللی شناخته شد ولی این موضوع هم مورد اعتراض مردم ایتالیا و هم ملت بوگلاوی است

۳ - در خصوص آلمان تا اندازه توافقی نظر حاصل شد

۴ - نسبت به کنگره صلح ضمن طرح پیشنهادی شوروی در اکثر به عدم دخالت بین در ارسال و موثنامده مقرر شد که برنامه کنفرانس صلح را خود کنگره تعیین نماید.

در یکسال پیش در پنده پیشوایان دون بزرگ تصمیم گرفتند که تقسیم پهنای صلح را به وزراء خارجه پنج دولت محول دارند - ولی در کنفرانس اخیر هم دولت چین بنا با امرار مولوتف یکی از قضایای سیاسی مهم بود که برنامه‌آزاد از لحاظ عادل سیاسی جهان خصوصاً توازن متقابل که بیشتر قضایای سیاسی جهان معلول آنست قابل اهمیت است.

در کنفرانس عمومی صلح کشور عالی که برای کنگره دعوت شده‌اند میبایستی پیش نویس های تهیه شده را بررسی کنند و تمامی این دولت تا ۲۹ ژوئیه در پاریس حضور خواهند یافت و این پهنای صلح از تصویب پنج دولت بزرگ و تصویب کنگره صلح قرار است به تصویب سازمان ملل منق برسد اما ملت دعوت دولت چین و امرار رفیق مولوتف را در دستور بدصوص میتوان اینطور تفسیر نمود - که یکی از مهمترین خصوصیات که در کنفرانس های وزراء خارجه وجود داشت هدفگیری انگلیس و آمریکا در تمامی مسائل و میطرفی فرانسه در اغلب موارد بوده است و رفیق مولوتف روی یک محاسبه دقیق و صحیح شخصی ترجیح داده است بجای اینکه با حضور چین یک حریف نیز بر دو حریف موجود دیگر اضافه کند اصولاً از دعوت این عامل مخالف جدیه مانع گردد بهر حال با توجه به این محاسبه دقیق و ماهیت کشور عالی که برای کنگره صلح دعوت شده اند نمیتوان و بسا به خیلی زیاد به نتایج کنگره صلح امیدوار بود

۱۴ ژوئیه

۱۴ ژوئیه تاریخی است که مردم آزاد فرانسوی دژ زندان باسنرا را سرنگون نمودند.

این تاریخ و پیدایش آن با بوسننگی مخصوص که روح ملت فرانسه دارد همواره مورد تجلیل جهانیان بوده است و همدونق مورد تنظیم و احترام ملیت های متعلقه که آزادی خود را مرهون این رستاخیز ملی میدانند قرار گرفته است بنابراین باید ضمن نظرد به یاد پاک را در مردان آزاد فرانسوی نقش مهمی را که این روز از نظر اجتماعی در اجتماع بشری بازی کرده‌است هرگز فراموش نکرد.

موضوع فلنشین و کششکس بود و غرب در این منطقه حساس و طرفه‌آزی انگلیس و آمریکا از دو طرف متعاصم یک موضوع بفرنج و تیره سیاسی شده است.

معلم آثاری محمد قاضی

گنجینه گرانبهای ادبیات کرد

-۲-

از میان نام‌مستشرقینی که در راه احیای آثار ادبی کرد رنج فراوان کشیده‌اند اسکارمان (Oskar-Mann) مستشرق آلمانی بیش از همه شهرت دارد. این خدمتگذار بزرگ فرهنگ ایرانی در ۱۹۰۶ از دیار خویش بزم خوسف چینی از خرمن دانش شرق حرکت کرده پس از مدتی توقف در کرمانشاهان و کربلاستان به مهاباد آمد و در آن شهر که امروز مرکز نهضت مشرقی و آزادی - خواه حزب دموکرات کرد است به تحصیل زبان کردی همت گماشت.

معلم او در آموختن زبان کردی بطوریکه خود در مقدمه کتابش مینویسد همی نگارنده بودند که در آلمان هر مسجدشاه درویش تحصیل علوم قدیمه اشتغال داشته و امروز نیز که در قید حیات است از خصیصه‌های برجسته علمی و از صاحب‌نمایان عالی‌رتبه وزارت داد - گسری و مستشار دیوان عالی نیز می باشد.

باری اسکارمان بسوی نگارنده تدریس انگلیسی می‌کرد و در نزد او کردی می‌آموخت تا دو سال گذشت و بقدری در پیشرفت این منظور کوشید که در ظرف دو سال زبان کردی را با همه اشکالاتش بخوبی فراگرفت و هر چه نتوانست لجه مهابادین را کاملاً تقلید نماید و بنام منی مثل یاد کرد صحبت کند ولی در معاویه و گفتگوی مسولی روزانه کلمه یا جمله نبود که برای وی متعطل و غیر قابل فهم باشد.

پس از آموختن زبان کردی لجه مهابادی اسکارمان در صدر بر آمد که تدوین و جمع‌آوری آثار زیبای کردی همت گمارد و خدمت یادبیت باستانی کردستان بنیاید و برای این منظور از معلم کردی خود و چند نفر از نکته سنجان قوم کمک خواست.

مشاورین اسکارمان بهمان نحو که نگارنده در مقدمه این مقاله چینی در شماره قبل - بنظر خواننده گرانگراسی رساندم تقسیم بندی آثار ادبی کرد را به یتیمهای باستانی و دواوین شرای جدید کرد تشریح نموده ولی آن مستشرق دانای سخن شناس اصالت و زیبایی و لطف کلام را در یتیمهای باستانی یافته جدا خواستار جمع‌آوری و تدوین آنها گردید و برای نیل به هدف دانشمندان خویش و همه ناوارجان و مالداران.

یتیمهای باستانی کردی را هر کسی ندانست و در سینه هر نامحرمی پیدا نمی شد جستجو کردند تا دو نفر پیر مرد دل‌زده را سراغ گرفتند - یکی رحمن بکر از ایل منگور که عنناد و اندی از سنین مشرق گذشته بود ولی هنوز شادان و خرم در کوهستان آسمانهای گسگش زندگانی میکرد و دیگر میرزا اسکندر که در میان اهله بود کردی می‌زیست و دسترس بی چندان مشکل بود.

البته پیر مردان دیگسری نیز در میان ابلات کرد موجود داشته که یتیمهای باستانی کرده را چون گفتمی در سینه پنهان ساخته بودند ولی هیچک باشتبار و معروفیت رحمن بکر - میرزا اسکندر بودند و شاید بهیچ‌صدا نیز تا آمد تسلط بر معاوضات خویش نداشتند و با اندازه آمدن نفر مشعر و ورزیده نبودند

اسکارمان با اهدای میثاقی گزاف هر دو را به مهاباد دعوت کرد. میرزا اسکندر که جوان تر از رحمن بکر و از مهاباد نیز اندر هوا دور نبود دعوت و پیرایه برت و سپاهاد آمد ولی رحمن بکر حلت پیری و شکستگی و شایه برای اینکه در لغظات آخر عمرش نیز نیخواست بهرینستی شده از کوهستان های بر طراوت و صفای گسگش دست بردارده از قبول دعوت مستشرق آلمانی سر باز زد. اسکارمان مجبور شد به

مصادق :
« هر که را طلوس باید جور هندوستان کشد » خود با تلساق میرزا اسکندر و معلم زبان کردی خویش راج سفر را بر خویشتن هموار سازد و شغلتا بیحضر استاد بشناید.
دبری نگذشت که پیر مرد دل‌زده کرد مهبان دانش بزوه آلمانی و همراهان او را در دانه‌های بیست - مانند کوهستان گسگش پذیرفت و چنان از سرچشمه کهر بار مطوظات گرایبهای خود سیرایش کرد که خستگی و رنج چند روز سفر را از یادوی برد.

اسکارمان بهت و هدایت و کمک رحمن بکر و میرزا اسکندر بسیاری از یتیمهای کرد از قبیل «موزین» «دوده» «ولاس و خزال» «دنامر و مامل» «برایسوک و فرخوله» «ویشی زایل فروش» «ولشگری» «ولخزیم» و غیره را که هر یک داستانی زیبا و مهیج و حساسه‌ای بر فرور و غم‌انگیز و ملو است جمع‌آوری و تدوین کرده و با یکدیگر سیاس گذاری و خجالت از آینه مهبان آوازی کردی به مهاباد باز گشت.

این نکته را نیز باید ناگفته گذاشت که رحمن بکر و میرزا اسکندر با همه اصرار و ابرام مستشرق آلمانی نه تنها دیناری نتوان مزد و پاداش از وی قبول نکردند بلکه در طی این مسافرت علمی که بیش از چهارده ماه و اندی بطول انجامید نگذاشته حتی یک شاهی از عیب خود خرج نمایند.

اسکارمان با یک مجموعه نجیب که پیشینایش هرگز بکر جمع‌آوری و تدوین آن نینداخته بودند به مهاباد مراجعت کرد و مدتی نیز در آن شهر بیکلک میرزا اسکندر و عسوی نگارنده بدوره و مراجعه به آثار کرد آورده برداشت تا اگر اشتباهی در فهم اشعار مشکل داشته باشد بسر طرف نماید.

در شمال مهاباد رودخانه کوچکی زیبای است که بشکل مارپیچ از آن شهر میگذرد و در بسیاری از نقاط یتیمهای باصفایید چهره شفاف آسمانی او را در جامه سبز رنگ بر گهگاهی خود

می بوفاشند. اسکارمان که مردی شاعر مشرب و با ذوق بود، دوره آثار کرد آورده را با تلساق معلم خود میرزا اسکندر در زیر آن درختان با صفا و وفور ساحل رودخانه زیبا انجام میداد. هوی گرامم بر این من تریف کرد که روزی که عبادت مألوف در زیر درخت پیری در ساحل لهر نشسته بودیم و اسکارمان داستان شور انگیز و زیبایی «ولاس و خزال» را دوره میکردیم چنانی رسید که «خزال» از معلق شیدای خود «ولاس» که عاشقانه آمیخته با هزاران ناز و عشوه می‌کرد و «ولاس» باسخ مشغوفه شهر آشوب خود را با تضرع و التماس قهرمانانه تا نام با بوزش واسترحام میداد.

زیبائی و لطف کلمات و سادگی لورستانی و بی تکلفی و طبعی بودن جملات منظوم بقدری در مستشرق آلمانی محروم از طبیعت موثر افتاد که بی اختیار از جای برخاست همچون کسی که بر اثر یک تحول ناگهانی و یک انقلاب درونی غیر متعارف دیوانه شده باشد در ساحل رودخانه شایق رقصیدن گسگشت و گفت

«دشمن کرده اند تو را من منظومه گران بها را تپیدایند ، شما ظلم است که نه «شکسیر» نه «دانش» و نه «گوت» و «شیلر» و «هورگوت» و نه «لامارتین» و نه «پوشکن» هیچ کدام به این لطف و زیبایی حسرت نماندند ...»

اسکارمان دوره خود را بی پایان رسانیده آماده حرکت با لمان گردید و معلم کردی خود را بیاس کمک‌های گران بهایی که در یاد دادن زبان کردی و تدوین آن مجموعه نجیب بوی کرده بود بسا خود با لمان برد - بعضی ورود به برلین تمام آن یتیمهای باستانی را بزبان آلمانی ترجمه کرده قبلا متن کردی را با یک مقدمه کوچک و یک رساله مختصر راجع صرف و نحو زبان کردی بعد لائین و سپس ترجمه آلمانی آنرا چاپ و منتشر نمود.

رساله راجع بدستور زبان کردی و مقدمه متن کردی ایات بزبان آلمانی نوشته شده و با متن کردی آن مجموعه با نام Der Mukri Mundart موسوم است در دست نگارنده می‌باشد همی نگارنده، تصحیلات خود را در آلمان در رشته حقوق نیابان رسانیده و پس از اخذ گواهی نامه دکتری حقوق در وزارت امور خارجه و در سفارت ایران در آلمان بهت دبیری استعفاء گردید و سالها در برلین اقامت داشت تا در سال ۱۳۰۶ یا ۱۳۰۷ که مرعوم‌داور سازمان جدید عدلیه و ایجاد کرد او را نیز بعدلیه انتقال داده به شهران فراخوانده و اینک بطوریکه گفته

فد مستشار دیوان عالی نیز است و آنکه در برلین کتابخانه بسیار کامل و زیبایی داشت چون اسرار معظم که بطور ناگهانی ایجاد گرفت قادر بحمل آن به تهران لنگرید و بعدها بیروسلیه برای نقل آن کتابخانه نجیب نیافت و اکنون شاید بر اثر چنگ اخیر بگی از میان رفته باشد.

من در تهران نسخه از این کتاب نجیب ندیده‌ام و نسخه موجوده خود را نیز از جناب قاضی محمد رهبر ویشوای سزبدموکرات کردستان یادگاردارم. تلمیح آنکه نگارنده در اوان کودکی در دبستان سعادت مهاباد تحصیل میکردم. در آن ایام چون همیشه در خدمت قاضی بودم کتابهای او را نیز مطالعه میکردم و در میان آنها کتب قدیمه و جدیده کتاب اسکارمان بیش از همه مرا بحد مشغول می‌داشت. درست درحسان زمان جوان هنر منفی بنام هیدالرحن گیو از بیروت به مهاباد باز گشت و در جنبوی کار مناسبی بسرای خویش بودم در نزد آن جوان چند ماهی زبان فرانسه را تحصیل کردم و به پنجت خواندن و استفاده کردن از کتاب اسکارمان که بزبان کردی و خط لائین نوشته شده بود کار آسانی بود.

بندها که به تهران آمدم در سایه لطف و عنایت همی گرامم در دبستان دارالفنون تحصیل مینمودم سالی در کلاس سوم یا چهارم متوسطه هاگرد اول یا دوم شدم و این مولفیت را بجنب قاضی نمود که علاقه بسیار به پیشرفت تحصیل من داشت مرده دادم جناب قاضی خواست جایزهای من بدهد و مسرا در تعیین جایزه کبیت و کیفیت آن مقبر گذاشت. من هنوز لذت و لطف کتاب اسکارمان را فراموش نکرده بودم لذا بدون تردید آن کتاب را مر گردیدم و ارسال آن را از جناب قاضی خواستار گردیدم و از آلمان تاکنون چون هدیه نجیبی به یادگار زمان تحصیل خود نگاه داشته‌ام.

بسیار جای تاسف است که نجیبی در این نسخه مشاهده میشود و آن این است که اولاً نسخه ۲۸۸ بیقتربارد و بقیه کتاب افتاده است و معلوم هم نیست که بقدر از آن نامش می‌باشد. ثانیاً از وسط کتاب نیز در داستان «موزین» چند صفحه چینی از صفحه ۳۳ تا پایان ۵۸ افتاده است - ولی بسیار جای خوشحالی است که در سایر داستان ها و یتیمها نجیبی نیامده است.

از شماره آینه ینده از داستان حساسی و عشقی «ولاس و خزال» شروع می‌کنم و عین متن کردی آنرا با ترجمه فارسی از نظر خواننده گان گرام میگردارم و امیدوارم که این خدمت ناچیز خفیر مورد قبول و پستداریاب ذوق و هنر قرار گیرد و چنانچه بخط و اشتباهی - بر خورده است عدا دارم تذکر فرمایند که هم موجب کمال تشکر و امتنان و حق شناسی اینجانب و هم باعث تکمیل و رفع نقص این مجموعه گرانبها خواهد شد. و تا چه قول افند وجه در نظر آید « راجع به مستشرقین دیگری که در احیای آثار منظوم و ستور کردی زحمت کشیده‌اند جدا در مقدمه ترجمه داستان «موزین» سخن خواهم گفت و فعلا مقدمه را بهین جا پایان می‌بخشم.

باز هم راجع به گروس

در نقیب مطالبی که در چند شماره اخیر راجع به گروس نگاشته شده یکی از خوانندگان اینطور می‌نویسد:

« از مندرجات نامه گرامی اینطور استنباط میشود که به حمایت متشی ضلعا و بیچارگان اهالی گروس قدمی برداشته و قلمی بدست گرفته اید.

این بنده که یکی از افراد اهالی هستم با عرض تشکر بنیاست نزدیک بودن انتصابات دوره پانزدهم برای استحضار مروض می‌دارد:

چشمی از مالکین دیکتاتور برای اینکه اقتدار اولیبه را نسبت به رعایا و رنجبران حفظ نموده و وضیعت آقا منشی خود را از دست ندهند یکی از بستگان یک نگاه خارجی را که مفید میدانم است علم نموده و در اطراف این علم سینه زنی ها شروع کرده و سعی خواهند بازهم و کیل تحبیلی که آلت اجرای مقاصد دیکتاتوری آنها باشد به رخ مردم بیچاره گروس بکشند در صورتیکه جامعه اهالی از وجود این گونه و کیلان یزار و در اطراف این کدوسی مضطرب شایمانی نیز از قبیل این که وکیل مورد نظر از کبیسه دیگران بهر گونه تطبیح اشغالی و بدل مال قدرت دارد شنیده میشود

فلا تا این حدود کافی است بدعا ممکن است در این خصوص اطلاعات بیشتری بر سر برسد.

دریافت و چاپ این نامه بار دیگر با فرست می‌دهد که چندنگنه یا ساکنین محترم گروس صحبت کنیم

امروز در همه جای ایران، در ایالات و ولایات این فکر تقویت می‌شود که باید و کیل را سر مردم انتخاب نمایند، و کیلی انتخاب گردد که به اوضاع محل بصیر بوده و واقعا نماینده مردم باشد. در ادوار گذشته گروس از وجود یک وکیل حقیقی که منتفع مردم باشد مرسوم بوده و موضوع چنان روشن و اشکار است که دیگر تجدید مطلع کردن ضروری نیست و مردمی که امروز از اینگونه نمایندگان یزارند برای این است که اینها چون نماینده مردم نبوده اند خود را مقید باین ندانند

آنکه که برای مردم و برای ناحیه ای که نام و کالت آنرا نصب کرده اند کار کنند. آنها نماینده دستگاہی مخصوصی بوده و قدرت مقاماتی از صندوق پدر آمده اند آنها خرید آن آبادی بوده و مکلف بوده اند برای آنها کار کنند ولی چون صندوق منافی به ناحیه ای نبوده بهمین جهت انتصاب وکیل فلان محل را بدنبال نام خود قبول کرده اند

حال این دوره ظاهراً اینطور معلوم است که مردم باید برای بدست آوردن حق خود مبارزه نمایند عدمی که عادت کرده اند ببرد. تحصیل شوند دنبال راه و رسم خود می‌دورند و آنرا از دست می‌دهند تا اینکه موفق شوند و با شکست بغور تنبلی مردم، مردمی که نمیخواهند بیش از این حقوقشان از دست برود باید بفکر خود بوده و آنها هم بر علیه این پادای مبارزه نمایند اگر مردم در این

آزمایش هم سستی بخرج دهنده بردیسا آنهاست اگر با نظاری کردند تطبیح نشده خود وساکنین ناحیه خودیعرف و بامبول فروختند قطعا موفق خواهند شد

کاندیدی ناپندگی گروس زیاد است هر کدام بطرف خود می‌گشته و چنین در میان خود اتفاق داره که هیچ یک حاضر تسلیم شدن بیدگیری نمیباشند با این کیفیت آراء تقسیم می‌شود و قطعی است اگر همین فکر و همین رویه ادامه داشته باشد هیچیک از کاندیدهای محلی نخواهد برد بلکه در نتیجه این تعداد زیاد نامزدهای و کالت زمینه برای یک غاصب دیگر که آینه معلوم خواهد کرد کیست بهتر فراهم شده و مبارزه او آسانتر خواهد بود

اگر ساکنین گروس بخواهند نماینده واقعی در این دوره، در مجلس داشته باشند باید سعی کنند از تعداد دوطلبان و کالت کاسته شده و برای انتخاب یک وکیل محلی صالح و شایسته توافق نمایند و اگر هیچیک گذشت نداشته باشند یکجا دست جمعی باید بگذرانند زیرا خارجی می‌باید و می‌برد و بقیه درخیازه خواهند ماند اتفاق است که دیگر بر گذشته انوسوس خورین مردمی نسیازد و مهار اوضاع گروس برای مدت دو سال باز بدست یک راننده خود می‌خواهد افتاد که ممکن است مانده طرفی پشت چندین دوره بگردن مردم بیاید حال تفکر در این اظهارات و تصمیم در آنرا بپسند خود شما و نامرد های و کالت واگذار می‌نمایم

انجمن آزادیخواهان کردستان

بروانه رسمی تشکیل انجمن آزادیخواهان کردستان طبق تقاضای جمعی از کردستانیان مقیم مرکز از طرف اداره شهربانی کل کشور صادر گردید. تشکیل انجمن را بدین وسیله با اطلاع عموم علاقه مندان میرساند. اسامی و آیین نامه مربوطه تقریبا چاپ و بنظر علاقه مندان به کردستان خواهد رسید

اداره گل نگهبانی

توجه نماید

نفرات یک گروهان و ارکان هنگ، هنگ ۱۸ رشت که از افراد کردستانی تشکیل یافته بملت ناسازگاری‌های آنجا اغلب بسیار و در وضع بسیار بدی بسر می‌برند استواری بنام شیانگ که تنخواه گردان هنگ را در اختیار دارد باید بابت تومانی دو ربال به افراد مساعد می‌دهد و از این راه صدی بیست حقوق این بیچاره ها به جیب شبانگ می‌رود.

اگر اداره کل نگهبانی بکنفر بازرسی بفرستد و از چنه نفر بازجویی بشود قسمتی از غارتگری این شخص معلوم و جان‌هدای افراد بسیار خریداری خواهد شد.

انتظار اقدام جمعی و رسیدگی اداره کل نگهبانی را داریم

اهانت بیگی از مشایخ معروف کردستان

جناب آقای وزیر دادگستری

علیات مامورین دادگستری شما در کردستان بدرجه بسیار نامطلوبی رسیده. بطوریکه حتی روحانیون و اشغالی مسعود اعتدای قاطبه مردم از اقدامات بی‌رویه آنان در امان نیستند. برای اینکه جنابعالی اطلاع حاصل فرمایید شکایتی را که با مضای بیش از یکصد نفر از علماء و محترمین و غصوصار و روحانیون کردستان رسیده ذیلا درج مینمایم و انتظار داریم مقرر فرمایید باین قسم علیات و اهانت‌ها خاتمه دهنده و بیش از این در لباس قانون شکنی ننشود احساسات مردم را جریحه دار سازند.

اینک همین نامه وارده:

مقام منبع جناب اشرف نصحت‌وزیر معقم ایران - کبیه وزارت جلیله دادگستری - کبیه فرمانده نظامی - کبیه انجمن ولایتی کردستان - کبیه دادگستری کردستان - کبیه روزنامه کوهستان.

محترما ماضاکنندگان زبیرمعرض می‌داریم:

جناب اجل آقای شیخ احمد ضیاءالدینی خلف مرحوم آقای شیخ مسلم طالب‌نژاد از مشایخ محترم و علمای متکلف و معجز و نوب قاطبه اهالی کردستان میباشد. شخصی است که دارای اصالت خانوادگی و از اسلاف مشایخ کبار سنجع میباشد خانه او تکیه و جایگاه متبرکی است که پیمبران و عاصمان را شفا و امان میدهد با چنین وصفی در روز ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۰۷ منزلش از طرف نماینده دادسرا (آقای گمانگر) و وکیل دادگستری (آقای سجادی) و نماینده شهربانی (آقای سر بهرانیان) و آقای درویش آگاهی و معاضی و یک‌هده اشغالی ناشناس به طرز بد و بی سابقه مورد تمسح و تفتیش واقع شده است علت این کنجکاری و امانت دادن اثاثیه مردم متوفی بنام ابوالحمده معروف به افتد مدرك قرار داده اند با اینکه قلاباسخ تقاضای آنها ببادوت و اطمینان داده اند که اماناتی از مانرك آن مرحوم در نزد ایشان نیست باز با اصرار و سماجت بوضع بسیار موهنی که هیچ چیز جز جریحه دار کردن احساسات مردم و عدم علاقه به مقدسات و احترامات مذهبی باشد نمیتوان تصور کرد در تمام قسمتهای منزلی نفس بپل آمده است.

بنا بر مراتب معروضه بنام اهانت بکسی که مورد احترام میباشد و بیگانه قانون استعدای تقبیب سبب این فحایح را برابر مقررات داشته تا آخرین حدی که نتایج نظم خود را به چشم نه بینم شکایت را دنبال و برای کبیرمتخلفین اسرا داریم.

دستور وزارت کشور

راجع بانجمن ولایتی کردستان

بقراریکه از کردستان اطلاع میرسد از طرف وزارت کشور بفرمانداری ابلاغ شده است که نا انتخاب نمایندگان بلوکات انجمن ولایتی تشکیل جلسه ندهد و اما مضحک است از طرفی وزارت کشور برای اینکه شیره سر مردم بپسندد و اجرای قانون را برخ ملت بکشد دستور انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی را می‌دهد و از طرفی هم راجع بانجمن نمایندگان بلوکات خودش نمی‌داند چه باید بکند آیا باید بلوکات ملک عمل فرار دهد یا بخش را و از طرف دیگر هم دستور بی‌اساسی که از صلاحیت او خارج است می‌دهد که انجمن ولایتی را که مردم بموجب قانون انتخاب کرده اند تا تکلیف نمایند کان بلوکات تعیین نکرده تشکیل نشود

علت عدم پیشرفت کارهای انجمن ولایتی گویا این موضوع بوده بقیه نما انجمن ولایتی که دارای شخصیت است قانونی نباید تابع دستورات خلاف قانون وزارت کشور شده و کارهای مردد را

توقیف آئین

روزنامه آئین هفته گذشته توقیف شده در مندرجات آن چیزی که مستوجب توقیف باشد یافتیم اینگونه توقیف ها کم کم جامعه مطبوعات را از عمل دولت نگران می‌سازد و قطعا مفسد السل می‌باشد

امید داریم مصادر امور توجه بیشتری داشته و باربع توقیف از روزنامه متین آئین رفع سوء تفاهم نمایند.

معتدل تصور اجازه آن وزارتخانه بنیاید همانطور که مکرر گفته ایم مردم از نمایندگان انجمن ولایتی کار می‌خواهند و آنها هم نباید باینگونه دستورات برخلاف ترتیب اثر دهند بلکه در هر مورد که چنین مطلبی پیش می‌آید دست و چگونگی را ضمن اعلامیه‌ای به اطلاع مردم برسانند زیرا تا این اطلاع بسا نرسیده بود مفسر واقعی را نمایندگان انجمن ولایتی میدانند حال هم نمایندگان انجمن ضمن اعتراض خیلی شدید به این دستور بی‌مناسبت وزارت کشور باید بکار خود جدا مشغول بوده و هم نشان باین حرفها بدعکاز نباشد

گرد و گردستان

سه اردلان

۲۴

پس از چندی علی اکبر خان شرف الملک حکومت جو اردلان نامزد و معین میشود شاهزاده باطناباو بسیار که معتمد سید سلطان را برای حکومت لپون تقاضا کند که او را هم با خود برده شرف الملک از سر واکند. شرف الملک بر حسب امر و دستور شاهزاده رفتار کرده معتمد سید سلطان را با خود حرکت میدهد معتمد سید سلطان از آنجا که مردی نیز خوش بود از این پیش آمد که بدون تقاضای او بپل آمدن ملین میشود و آتی خود را بین شک و یقین خوش تصور نمیکند همین لحاظ درین راه همیشه حرکتی بخرج میدهد که شاید بوسیله آن حرکت نیز نهاد شرف الملک را نسبت بخود استیاض نماید. گاهی بکفر سخ جلورته و گاهی بکفر سخ عقب مانده تا بداند که شرف الملک جوای او میشود یا نه شرف الملک هم از آنجا که مرد دهر آزموده بود از حرکت او خود را باخه به پیچوبه خود را بان تقدم و تاخر آشنا نیسازد تا بالاخره بیچاره و دیر رسند و در آنجا نهایت لطف و مهربانی را در باره او میدول میدارد عبدالرحمن یک پسر او که در لفسود ساکن بوده برای اینکه او را هم بدام بیاورد در خلوت معتمد سید سلطان میگردد که بنویسد عبدالرحمن یک اینجانبه بیاید او نزد من باشد با شما با حکم و خلعت حکومت او را مان لپون بفسود بروید. معتمد سید سلطان پس از امتحانات و آزمائشهای بین راه آسوده خاطر شده مطلب را ساده تلقی میکند و بنویسد پسر و گشاش در ظرف دوروز بیچاره و می آید ملاحد نودشی هم برای دیدن شرف الملک در معیت انبای می آید پس از آمدن آنها شرف الملک سیلوریک آدم خود را که مرد کار و مرم اسرار بوده بفلرت میخواند و سرمانه باو میگردد کسی از نوکرها در دست حالی کید چون معتمد سید سلطان و گشاش نزد من می آید نوکرها دو دست شده در بین خودشان باهم تراع کنند و هر دست بعنوان شکایت وارد اطان خود من بزم تنبیه از اطان بیرون بروم آنها معتمد سیدخان و گشاش را دستگیر نموده زنجیر نایند سیلوریک بر حسب دستور رفتار نموده قضیه را ابهام میدهد سپس آنها را بدون درنگ بکمان در میدان جل عسارت حکومتی تیربارن می نماید شرف الملک نور امراتب را شاهزاده اطلاع میدهد شاهزاده در از این خدمت لقب شرف الملکی را با رتبه سرتیپی و حمایل و نشان این مقام از دولت گرفته برای او روانه مینماید پس از دفع معتمد سید سلطان اورامان بکلی آسوده و آرام میشود هنگام رفتن و بیرون بردن معتمد سید سلطان ملاحد نودشی و ملاخیز اورامی که در مجلس پس از چندی از قضایا و نتیجه کار مستعصر میشوند ناچار بیرون آمده نزد شرف الملک میروند سبب

تقصیه و استیوال بکنند شرف الملک نذکراف دولت را به آنها نمان میدهد که بر حسب امر دولت اقدام به این امر شده است و مهابط ملاخیز را امر میدهد که نشنا را غسل و کفن نموده دفن مینماید شرح حقیقت شاهزاده معتمد الدوله را در حکومت گردستان اگر بخواهیم بجزو بنویسیم صفحات متعددی را از این کتاب اشغال خواهد کرد لذا بظهور اختصار چند فقره از عملیات بر جسته او را ذکر می نمایم و کتفا میکنیم - یکی از عملیات بر جسته بطوریکه ذکر کردیم نظم اورامان و دفع اورامیها بود که از کنار سلیبایه تا کنار شهر (سنه از) را در تحت سلطه و اقتدار داشته و مامورین روم و ایران نمی توانستند در قلمرو آنها نفوذ بکنند حکام دولتی هم که علاقه بشئون دولت بوده و افتنا باسایش و استیاض داشته اند برای سنور داشتن بیعرضگی خود این قضیه را باست مالی گذرانیده بولتن متبوع خود اطلاع نمیدادند شاهزاده بکسی کتبه مامورین زیر بار این تکه زمین بطور مذکور ریشه آنها را با تیشه خزم از بیخ و بن بر آورده روم و ایرانرا از این سبت راحت و آسوده ساخت است دیگر اینکه همواره اهالی گردستان از دست نمدی و تجاوز اشرار ولایات همجوار بپتوه آمده دست فرسوده ظلم و ناساب آنها شده بودند شاهزاده معتمد الدوله با حسن تدبیر و عملیات بیرونده گردستان و کردستانیا را از شر هسایگان آسوده نموده این سرزمینرا امنیت و اطمنانی قوی اندازد داده است از جمله برای مختصر حرکت خلائی که از خوانین کلیانی سر زده بوده معتبرین آنها را گرفته در گردستان زنجیر کرده است همچنان خوانین کرمانشاه و کروس و اشتر هم حساب خود را فقیده از سلطه شاهزاده نتوانستند با از کیم خود دراز بکنند - دیگر اینکه هر ساله اهالی گردستان از دست حشایر جاف که متجاوز از دوازده هزار خانوار هستند بپتوه آمده هنگام ابلق میشی آنها که بظاک گردستان می آمده اند اهالی شهر و دهات طرف سارال و هو با و و خورخوره و تیکو و سقر و مریوان از دست نمدی و ناساب و شرارت آنها آسایش نداشته - سالها این طایفه در بین دولتی ایران و عثمانی مشترک و متنازعیه بوده پس حسب قرار داد و عهد نامه های دولتی این طایفه در هنگام توقف در خاک ایران تیمه دولت ایران محسوب شده اند و هنگام مراجعت بظاک ششای جزو اتباع عثمانی بوده اند و نیز در عهد نامه تصریح شده که این طایفه در قبول تبعیت هر یک از دولتی آزاد هستند هر گاه کلا باعضا یا بکنفر از آنها بخواهد تابعیت هر کدام از دولتی را قبول نماید دولت دیگر حق گفتگو و مطالبه ندارد این طایفه سالها در نتیجه این قرار داد

از طبع «حریف»

«گرد»

کرد زبک و یا غیره و ک شیری زبان
 بی برس و نه ترسه به مثل کردی زمان
 بو دعوی و شر داعی دشمن به حقیقت
 بی لاف و گراف راسته و کوفلی دمان
 ام کرده لبه بیو عامه مردم به شجاعت
 مشهوره و کوروزه که مشهوری جهان
 وقتی که له بو عرسه هجا به معجم دین
 هر یک به برابر صد و پنجا می براه
 امر و تیه وک طایفه کرد له جهاندا
 گسر دستنی داله اگر پیری بیاه
 لکن به قه حسرت امن لت که جرگم
 بی پشت و بنا هوسر و سردار و پلان
 بم واسطه گردان بنوا و پرز و بلاوه
 هر کاه به رنگی یوه محکومی امان
 تی نکره له تده پری خدا چندی عیب
 ام گتله شیرانه که رو باهی شوان
 جون آبی حق ان مع الصر سیرا هس
 پاکت له بی تو گوی بده بم آیه جوان
 امید به هلسی له شه و ابخت و نگین کرد
 ایتر سهام معنت وام ذلست گیاه
 معلومه «حریف» هیچکسی ناسریه زندان
 بخصوص زمره گردان که و کوشیری زبان

مبارزه با مالاریا

دو نقص کوچک را رفع کنید

بهداری که اطلاع حاصل شده مبارزه با مالاریا در گردستان آغاز گردیده و تعدادی از کارگران از طرف اعرامی به آقای دکتر وکیل وگذار شده که از لحاظ قنی و عملیات مسئولیت را بر عهده دارد. اما نسبت مالی تابع بهداری تحت نظر رئیس بهداری است. دو این مسلك در عمل دیده شده که هم آهنگی بین اعضای ادوات دروسا و معاونین کمتر دیده میشود و حتی هر یک سعی می کنند کار دیگری را خراب نموده خلاصه کار برای آنها هوس دانی و میدان تمعیه حساب میباشد. این موضوع در بعضی موارد گشاش کم سیاست (شتر مرغی) را نسبت بدولتین معمول داشته در ایران خود را تبعه دولت روم بخرچ داده اند و در خود راجتبه ایران معرفی کرده اند - کریبر گومی بگوید اشتر مرغی بارش بگویند میبرد - در پاییز و زمستان که موقع فتلان میشی آنها است در گرمسیر عراق زندگی کرده اند و در بهار و تابستان که هنگام ابلق میشی آنها است بگردستان گردستان آمده خیمه و خرگاه بر پا کرده اند و در ظرف آن بدمشایی بنسوان حق السرتع بحاکم دینیشکار گردستان داده اند ولی این حق السرتع در حقیقت خویشای اعراف و نوا میس و رعایای گردستان و جواز تاخت و ناز دلبخواه جاف بوده که دیگر نمدی در مقابل آنها دارای جان و مال بوده و رعایای بدبخت از خویشی حرکات و حشایه آنها همواره آوار و متواری و ترن ذلت و خواری بوده اند و بهر جا شکایت میکردند کسی به داد آنها نبر حیدایانی توانست برسد.

باشد در آن قسمت که باجان مردم تماس دارد دیگر قابل اغماض نمیتواند باشد
 هشت مبارزه با مالاریا با این تفکیک عمل از پول مسئولیت را تقسیم و طوری نموده که هر یک از خود سلب مسئولیت کرده تعمیرا میتواند بگردن دیگری بیانه از در صورتیکه اگر هر دو قسمت یعنی عمل و پول تحت نظارت و مسئولیت یک فرد یا یک مقام می بود اورا مسکن بود مشول شناخت و تسامح و عهد اجرائی صحیح کار را از او بازخواست نمود با اطلاع که از داغله بهداری میرسد ریاست و پرونده و جریسان و لیره مهتر از کار تشخیص داده شده و بیشتر مورد ملاحظه است بنا بر این برای اینکه اغلا این کار مستقل مبارزه با مالاریا دچار این افتتاح بازیها نشود بیشتر این است که رئیس بهداری را بکنند مشقول کارهای خود بوده و مسئولیت نام را بعهده پزشک مأمور مبارزه بگذارند.
 موضوع دیگر پزشکیاری است که برای کمک به سرویس مبارزه با مالاریا داده شده گویا چندان سابقه دوختن از لحاظ جدید و با عمل نداشته باشد برای رفع این نقیصه هم خوب است هفت مبارزه تجدید نظر کرده بکسی از پزشکیارهای جدی گردستان را در اختیار این سرویس که فعلا کار مشینی انجام میدهد بگذارند و به پزشکیار گنولی که بدو این کار نمی خورد شغل دیگری رجوع نمایند.
 امیدواریم این تذکرات مورد توجه واقع شده طوری نشود که بولی خرج گردد و نتیجه خوبی هم هاید مردم نشود.

نگارش آقای احسان نوری

تاریخ ریشه و نژاد کرد

- ۵ -

میوه اندر که در هر کل اداره حقیقتات ایران مقاله ای در تحت عنوان «حرفیات علمی در ایران» در سالنامه پارس در سال ۱۳۱۰ نگاشته توضیح میدهد:

اشبای که در لرستان از زیر خاک در آورده گوهستانیهای ساخته اند که در جبال خور در ازمنه نامعلوم سنگی داشته و بعداً در نتیجه هجوم قبایل مانع و مهاجری که از شمال آمده از آنجا بجای وطن نموده و در چهار هزار سال قبل به لرستان رفته و در تاریخ بنام «کاسیت ها» شناخته شده اند. این قوم بابل را فتح نمود و قریب شش قرن از سنه ۱۷۶۱ تا ۱۱۸۵ پیش از مسیح و بر آن دیار فرمانروایی کرده و بعد بگوهراران خودشان باز آمده اند و با تربیت اشنام و تجارت اسب که سواره نظام آشور می فروختند ثروتی اندوخته و این اشبای و مغرضی لیس. این آلات جنگ و دهنه های اسب و جواهرات و ظروف سفالین و غیره شاهانه بین ذوق سنتی و مهارت منی آنهاست و یادگار ثروت مادی آنها میباشد.

مشارایی با این مطالعه نظریه «هرتولده» و «محقق آلمانی» را دایر بر این که مسکن اصلی این مهاجرین کردهای منطقه بحر خزر بوده است تأیید می نماید نام خدای طاغی که این قوم «کاشوخ» بوده است که قدیمترین خدای این طایفه پاید باشد و متعلق به سکه لرستان پیش از آمدن کرد های بحر خزر به آن منطقه هم میباشد. این موضوع هم دلیل دیگر وحدت نژادی کوس های زاگروس و کوس های بحر خزر میباشد.

نام یکی از خدایان قدیم کوس های هم «هوژا» بود. تا عهد ساسانیان «هوژا» - خدای میگفته اند مثلا کتاب «خودای نامک» که بزبان پهلوی بود به فارسی شاهنامه ترجمه شده است از لفظ هوژا - خدوآ آمده است. نظر باینکه کردهای امروزی صاحب را خودان می گویند معلوم میشود خودای پنداری «رب» استعمال میشده است.

مقتدرترین پادشاهان کوس می بود بابل «اکرم کارکم» بود که بلاد را که سابقاً قوم هیتی از دولت بابل منزع کرده بود پس گرفت (گردویوستگی نژادی او) پادشاه کوس پس از استیلای آکادو سومر عنوان حکومت خود را کاردونیش گذاشت

در قرن شانزدهم قبل از میلاد در حوزه یازلی دجله و فرات یعنی در وطن کونی های شمال و در قسمتی از خاک سوپاری حکومت قوی مینان پشور رسید که معروض حقه فرعون مصر شد و شکست خورد ولی بعد ها سوریه را اغتال و بر بی اسرائیل نیز تسلط یافت. در شرق هم آشورستان را اشغال کرده حدود حاکمیت خود را تا کرکوک امروزه رسانیدند دولت مینانی قویاخرت و جنوب باختری با دولت های هیت و مصر هم خاک بود در صورتیکه زده خورد حاکمیت ها از ابتدا با هیت ها بود زیرا با آنها هم سرحد بوده. اگر به نقشه جغرافیا نظر افکنیم و با اله کی متنی لائیم به سهولت خواهیم فهمید که هم سرحد شدن این چهار دولت با هم غیر ممکن است زیرا اگر دولت مینان با دولت مصر هم سرحد باشد تماس مابین کوس و هیت ها را غیر ممکن میسازد و اگر کوسها با هیت ها در تماس باشند مابین مینان و مصر واقع می کنند

ماهنامه «آثار» در نوشته جات این چهار دولت را با هم هم سرحد نشان میدهند و علی الخصوص هیچ آثاری بدست نیامده که اشاره به اختلاف میان کوس و مینان کرده باشد باینکه قبول کنیم که کوس و مینان یک قوم و یک نژاد بوده اند. امین زکی بیک مؤلف کتابی گرد و کردستان بنا بر مطالعات مستند در کتب و «و اجن سن» که در مقالات پیش اشاره شده است از کوس ها بودن مینانی ها را اشاره و از منظومه سوپاری نشان داده است.

از نوشته های آشور هم بر می آید که در سال ۱۰۵۲ و ۱۰۳۲ قبل از میلاد بابل از طرف شمال در مرز تراخت و تاز کوس های صحرا گرد واقع شده در صورتیکه در آن تاریخ کوس ها به کوه های زاگروس عقب کشیده بودند فقط مینانی ها بودند که در شمال موجودیتی از خود نشان میدادند. اینهم تأیید میکند که ملت مینانی که در زمره سوپاری بود کوس خوانده میشده اند

آقای دلدستان دیوان گیتیر و نوشت ... نام ملی کوهستان جناب آقای نصرت وزیر - آقای مینسی با زبیر دیوان گیتیر مقیم کرمانشاه دو ماه است آقای طبیب اعتدالی را در مونی که برخصی رفته بود بازداشت نموده پس از انجام تحقیقات کافی معلوم نیست بجه مجوزی قرار کفالت بیباغ هشت ملیون ریال صادر نموده و حساب اینسکه اعتدالی در مدت استقامت مسایبک موردنی خود را خرج گذران خویش کرده و میردن چنین کفیلی برای وی معال و مشیغ است و در واقع آقای با زبیر استخلاص ایشانرا تملیق بیحال کرده استرحا ما پرونده اتهامی ایشانرا بر کر بخواهید و مطابق موازین قانون و عدالت رسیدگی فرمایید که بیش از این بک مشت حاله اش در تهران بسی پناه و سرگردان باشد

دو خیزه شریبه اعتدالی

اظهار امتنان از بنگاه حمایت مادران

یکی از مؤسسات عام المنفعه مرکز که بسی و کوشش یکی از پزشکان دستکار و جدی اداره میشود بنگاه حمایت مادران است.

کسانی که از نزدیک با این بنگاه تماس داشته باشند نمیتوانند متوجه خدمات گرانبها و صیانه مدیر عامل آن آقای دکتر مؤنسی و نظم و ترتیب این بنگاه و مراقبت های دلنوازه کارکنان آن باشند.

اداره روزنامه کوهستان در چند مورد که مراجعاتی مربوط به کردستانیان مقیم مرکز باین بنگاه داشته بخوبی به نکات بالا متوجه و لازم میداند بدین وسیله از خدمات گرانبهای این مؤسسه اظهار قدرانی نموده ضمن اظهار تشکر از مراقبت های مخصوص آقای دکتر مؤنسی مدیر جدی و لایق این مؤسسه و کارکنان معترتم آن از صوم هلافتند انخواستار شود که نسبت باین بنگاه که در هر مورد با کمال علاقه و صببیت بخدمت مردم میشتاید از کمک های مالی دریغ نشایند هر قدر باین مؤسسه بیشتر کمک خود خدمات بیشتری انجام خواهد داد.

اداره کل نگهداری توجه نماید

جناب آقای نصرت وزیر در نوشت و ریاست معظم نگهبانی کل کشور ، در نوشت روزنامه کوهستان .

معتزماً معروض میدارم فدوی عباس هلالی مشولک ۱۲۹۶ زایچه سنج گروهبان نخست هنگ نگهبانی کرمانشاه با طی دوره آموزشگاه گروهبانی مرکز مدت هشت سال در درجه گروهبان یکمی باقی با سوابق کلیه مدت خدمت ۱۳ سال از مرزهای صوبه المینت دهلران - باووسی نقل شده از گروهبان و گردان نقضای تربیتیم به هنگ تقدیم شده روی اصل عدم بضاعت و تأمین شدن نظر کارگرنی و متصدیان امور تصرفام در جزوه فراموشی ضبط و باسم بهشهاد مرکز اقدام ساخته . بوجهی نماند وقتی که مقررات یک عده نفر بد بخت بدست چند نفر استوار اخاذ سبرده شود هیچوقت بدون بهاء ترلیغ (وجه) غیر مقصور بطوق خود کسی نابل نخواهد شد . با مراتب معروضه فوق بنایستی اولای امور معتزتم سزاوار بدانند که مقررات یکمشت بدبخت و ناتوان روی اصل تسدادن رشوه بدست چند عضو کوچک تیر مو تار شود .

در خانه چون بچین دارم که نظر معروضه فوق مورد تحب واقع خواهم شد ولی بیش از این طسالت مفارمت نداشته و ناچار به تقدیم داد خواست نظلیانه خود شده و استدعای رسیدگی را دارم .

در پایان موفقیت رؤسای عادل را از بزدان متعال خواستارم

گروهبان ۱ هلالی لفظ شاه

پزشک دانشی در منزل

نام پزشکان مانده پزشک دانشی در منزل شما است و آلبونان یکساله آن فقط صد ریال است دفتر تهران آزماشگاه شما - خیابان اسلامبول آقای دکتر محمد نابش ۲۳۰۲

برای توجه اداره کل گمرک

حضرت اشرف قوام السلطنه نصرت وزیر معسوب ایران ، در نوشت کل گمرک در نوشت وزارت دارائی ، در نوشت روزنامه کوهستان .

صدور پته برای اجناس داخله بدهات و نصبات اطراف بر خلاف کلیه قوانین در گمرک سنج مرسوم صدور و اجازه مطابق دلخواه و نظریه شخصی آقای پروتشان رئیس گمرک است . با اطلاع ادارات قراقرانداری و اجناب ابالتی همیشه باعث مصلتی و بدبختی قلوبان فراهم در صورتیکه برای آقایانی که از اهال مخصوص آر هستند هر روز اجازه حمل میدهد تنها دارد بوسیله معطش به پته های صادره مراجعه تا معلوم شود صدی نود آنها بنام آقایان حال مخصوص است بهر حال چون با ازدیاد اجناس داخله و اجازه صدور جعلی و نقاش از طرف هیئت وزیران به کشورهای خارجه دیگر صدور پته و جلوگیری از حمل داخله بنظور مصرف خودملت مورد تساهره و تسنا داریم برایش اینجانبان رسیدگی دکان خلاف کاری رئیس گمرک را بر جبهه فرمایید .

محمد سعید وستنی - صالح کالی سانالی - محمد کریمی - محمد رحیم هدهد منوچهری - معسود صفرنگ - محمد کریم حبیبی - محمد شریف صفری - محمد امین بهرامی شریف لیک غسی



نشریه نوین ستاره غرب که تمام مطبوعات کشور را تحت اشباع فساد خواهد داد و یک روز قبل از انتشار نام آن انشاء خواهد شد روز پنجشنبه ۲۷ تیر ماه منتشر میشود

بقیه مقاله بحث علمی در اطراف زبان و ادبیات کردی

نوارت و دار مستر نیز بر این عقیده اند که زبان ماد ریشه و اصل زبان کردی فعلی است که در اثر تحولات ناشیه از مرور زمان به صورت امروزی در آمده است

اینکه بطور اختصار دلالتی در باره اینکه زبان کردی یک لهجه فرعی و مشتق زبان فارسی نبوده بلکه خود مانند فارسی یک شاخه اصلی زبان ایرانی و مستقیماً از زبان باستانی ماد تولید شده ذیلاً درج میگردد .

۱ - تفاوت صرف افعال و محل نشایر و طرز ترکیب جملات و اختلافات اغلب بیوند و پیشوند ها و سو فیکس (فیکس)

۲ - وسعت زبان کردی که از جهت کثرت لغات از زبان فارسی لغتی تر و بملایم و زیادی واژه های مترادف در زبان کردی به نحوی که اغلب برای یک چیز و یا مفهوم چندین واژه موجود است که نه خود و نه ریشه آنها در فارسی وجود ندارد و این موضوع دلیل خوبی برای استقلال زبان کردی از فارسی است زیرا در صورتی که زبان کردی یک لهجه فرعی و مشتق

۳ - در زبان کردی واژه های نسبتاً زیادی از بنیادهای مشترک قدیم آریایی هست که میا و یا با تغییر مختصری در زبانهای اروپایی موجود است در حالیکه بیشتر این واژه ها در فارسی امروزه وجود ندارد و این خود دلیل واضحی است که از قیاساً زبان کردی با زبان اصلی آریایی بیشتر محفوظ مانده و چنانچه فرضیه اینکه زبان کردی یک لهجه فرعی از فارسی است صحیح بود میبایست این موضوع به عکس باشد .

۴ - از مطابقه واژه های کردی و فارسی که از یک ریشه ساخته شده اند بخوبی واضح میگردد که تحولات در واژه های کردی بیشتر انجام گرفته و مختصر تر و سبک تر از واژه های مشابه فارسی شده اند اینک برای نمونه در این مورد چندواژه ذکر میشود :

کردی	فارسی	کردی	فارسی
دین	نوشتن	دین	نوشتن
کتن	کتن	دین	نوشتن
بون	بودن	کرن	گرفتن
خو	خواب	آوس	آبستن
برا	برادر		

و این قاعده در کلیات مشترک الاصل کردی و فارسی تقریباً عمومی است و استثناء کسر دارد .

مطابق قواعد علم اشتقاق برای بدایش این تغییرات یعنی حذف بعضی حروف و تبدیل حروف خشن به حروف نرم تر مانند ف - ب - م - یه و یا ش به ک تحولات و مرور زمان زیاد لازم دارد که خود دلیل واضحی بر قدمت زمانی زبان کردی میباشد .

۵ - وجود لغات زیاد اوستایی که طبق عقیده بیشتر متخصصین با زبان ماد نوشته شده (در زبان کردی با اغلب بدون تغییر و به همان ترکیب با همان نظر گرفتن اینکه همین واژه ها در فارسی از جهت بعضی حروف ترکیبی دارای اختلاف میباشد دلیل مقلی برای اثبات اینکه اصل زبان کردی همان زبان اوستایی با مطابق عقیده متخصصین آن زبان ماد میباشد نه زبان فارسی .

لغات اوستایی بر خود نسوده حقه مترجمین نتوانستند معنی آنها را تبیین نمایند و بعضی هم به تناسب موضوع یک مفهوم احتمالی برای آن قائل شده اند در صورتیکه این واژه به همان معنی منظور و مناسب مقام در زبان کردی امروز موجود میباشد .

از واژه هایی که به تفصیلی به نام زبان ماد امروزه در دست است همان کلمه میا لا است که بنا بر روایت هردوت به معنی سگ ماده است شبیه این واژه کلمه سبلوت در کردی یعنی مطلق سگ موجود است و مسکن است اختلاف حروف آخر واژه های مزبور مربوط به جنس نر و ماده و یا مطلق حیوان مزبور باشد و این خود هم می تواند یک دلیل بر عقیده و مدت زبان ماد و کردی باشد .

قسمت او قاف سنندج دقت نماید

آقای سیدجلال الدین حجت الساداتی شکایت می کند که باوجود اینکه چهار دانگ میان علیا که موقوفه است در اجاره مشارالیه میباشد از طرف فرهنگ یک نظر برای تصدی آنجا مینماید و بوجوب مددگاری که رونوشت آنرا هم برای ما فرستاده اند مامور نامبرده سلب آسایش و عمل در ملک را از مشارالیه نموده است .

اگر چه ما از جریان امر استعاضار کافی نداریم و نمیتوانیم صرف شکایت آقای حجت الساداتی آنرا دلیل قاطع بدانیم ولی مسلم است که اوضاع املاک موقوفه بسیار خراب و لازم است فرهنگ کسر دستاورد این املاک دقت کافی بنماید ولی این نکته را باید در نظر داشت که این دقت را که ما پیشنهاد میکنیم برای این است که در آمد این املاک زیاد بشود تا اینکه از جیب مستاجر در آمده و به جیب مامور برود .

بدر نظر گرفتن این مقدمه انتظار داریم نسبت به شکایت آقای حجت الساداتی از طرف اداره فرهنگ تفاوت و عمل عادلانه و قانونی بشود .

تلگر افخانه کردستان

مقام وزارت پست و تلگراف و تلفن رونوشت کارگزینی رونوشت اطلاعات رونوشت کوهستان رونوشت پست سنندج از بدو رود آقای تمیمی ناظم مخابرات کردستان کارهای تلگرافی در نهایت سرعت و بیخود خوبی انجام میشود - ما منشاء کشته گان زبیر بدین وسیله بتمام وزارت پست و تلگراف و تلفن از اصاب چنین شخص جدی و صحیح اسلح حسابگذاری خود را اعلام میداریم از طرف اهالی و تجار کردستان حاجی احمد شمس آقا جانی لیاض نقیسی رحیم زاده هزرتشیدی ساهی مایونی ابراهیمی سلیمان سادات الیاس کبریایی اخوان خلیل ابریشی دلال زاده عزیز الهی دیساقی صیسی طاهری گروهی کلاهی موسوی لاویان بابانکیان اسمیل منطقی .

خبر دیگر حاکی است که علی آقا حوانسردی که مدتی بازداشت بوده چندین هفته شکایت تلگرافی برای مخابرات فرستاده و تلگرافخانه از قبول آن استکفاف نموده است ناچار مشارالیه تلگراف خود را بوسیله اعیان ولایتی سنندج به تلگراف خانه فرستاده است .

موقی که اظهارات آقایان در مورد وسرعت عمل برای ما قابل قبول است که نظایر این اتفاقات رخ نهد .

بلاخره علی آقا جوانمردی خلاص شد

پس از اینکه چندین بار آقای علی جوانمردی از زندان لشکر کردستان تلگرافهای شکایت از عدم رسیدگی به بلا تکلیفی خود و تلگرافخانه سنندج فرستاده و تلگرافخانه از قبول آن استکفاف نموده و مشارالیه دریافت کرده بدست اوشش مراجعه شد طبق اطلاعی که بدست آمده روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۸ فرمانهای لشکر کردستان از سفر گزارش داده که بر حسد سنور تیسارسر لشکر رزم آراه مشارالیه آزاد گردیده است بنابراین در حین تلگراف مشارالیه دیگر ضرورتی نداشت ولی این نکته باذ برای ما هم روشن نشد که چرا این شخص رادمت ها باز داشته نبوده و بدون معاکمه و تبیین گناه مدتها در حبس انفرادی گذارده و بده هم آزاد نبوده .

ای کاش روزی از روی این گونه معاهات برده ابهام برداشته میشد .

دخانیات سنندج توجه فعاید عبدالله احمدی ساکن امروله شرح مبسوطی راجع به سوء رفتار آقایان معالی و ناصر زبیر کتشر و حبیب الله جوانمخت مامورین آن اداره نگاشته و مدعی است بکشته او را بدون حضور خودش و بسا مقام صلاحیت دار بنوان بازرسی باز کرده و مقداری مال او را تلف کرده و از جمله شش دانه لبره او را برده اند .

انتظار داریم اداره دخانیات سنندج به این شکایت توجه نموده شر اینگونه مامورین فاسد را از سر مردم کوتاه نماید .

توضیح در باره يك شكایت وارده

در شماره ۶۶ شکایتی از احمد آیت پناه زارم چاپ شده بود اینک اطلاعی بشرح ذیل رسید که عیناً درج میشود توجه دادگستری را بتمام آن جا میس ندانیم .

احمد آیت پناه جوانی است بسن بیست سال که از خود دارائی ندارد پدرش مالک است و با بودن پدرش حق تصرف در اموال او را ندارد .

بکنفر از رهائی پدر احمد آیت پناه بهشت اختلافهایی که پیدا شده مورد بی مهربی مالک واقع شده پدر احمد اراضی و زمینها را که در دست او بوده از او گرفته و بیرونش کرده آقای عظیمی مالک زمینانکه دیگر از ملک از رهبت آورده دلجوئی نموده و زمین باو داده که فلاحت کرده و از آوارگی و تنگ دستی نجات یابد - احمد و پدرش برای اینکه رهبت را بیشتر اذیت کنند که شاید از ملک خارج شود بنام تصرف عدوانی از آقای عظیمی به دادگستری شکایت نموده اند .

چون ندگشماره ۱۰ در این مورد موجب سوء تفاهمی شده بود عین توضیح بالا چاپ گردید .

قابل توجه ریاست اداره کل شهر بانی

آقای علی بهرامی از سفر شرح مفصالی نوشته دایر بر اینکه مدت نامه در شهر بانی آنجا کار کرده و بعداً باو جواب داده اند که معنی برای استخدام و پرداخت حقوق ایشان موجود نیست و چون این مدت زاه بافتند باقول رئیس شهر بانی مشغول خدمت بوده و هر چه داشته خورده است و از هشتی ساقط شده تقاضا دارم جهت توجه در باره او مبدول دارم

ژاندارمری سنندج

آقای علی محمد اردلان تلگرافاً شکایت میساید که طایفه پری پشته (اردلان) در ملک امیرآباد استکفاف بنمایان که در خاک کلبائی است اشغال مشغول فرار و بردن بهره مالکانه اشغال میباشد و تقاضای توجه فوری نموده است .

چاپخانه مظاهری

کوهستان

مختصری در باره تلگراف آقای آصف

می باشد درحالیکه دستمزد و کار خیلی ارزاتر است مثلا برای غسل آوردن بستنی اگر در کردستان پانصد تومان خرج شود در تهران قطعا کمتر از هزار تومان نخواهد بود در صورتیکه چهار مثلا اگر در تهران ده شاهی باشد در کردستان یک تومان است

چرا؟ برای اینکه شهرداری فاسد است و فکر آسایش مردم نیست پول را میگیرد و جاو فروشنده را رها مینماید این مثال در موضوع تقریبا کلیه اجناس خواربار مصادق دارد و اگر دستگاه شهرداری اصلاح شود تنزل فاحشی در نرخ خواربار حاصل خواهد شد و با جلوگیری از احتکار بعضی تجار میتوان در نرخ بعضی امواد خواربار مانند روغن هم تنزلی بوجود آورد

دستگاه شهرداری تنها بایر کنار سودن شهردار اصلاح نمی شود بلکه باید اولاً شخص بسیار نامی را که استفاده چسپ باشد و فکرش کار و آرزویش تا من آسایش مردم باشد بر سر شهرداری گذاشت چنین شخصی را هم میتوان از امریکا و اروپا استخدام نمود و سالی تهران اعزام داشت در همین شهر غربت مندج هنوز جوانان شمال و فوق العاده چدی هستند که آرزو مندند بتوانند خدمتی انجام دهند تا از قبل آن آسایشی برای هم ولایتی های خود مراه سازند ما در این موضوع اسمی از اشخاص نمی بریم که تصور شود برای کسی میخواهیم کاری تهیه کنیم ولی اگر آقای آصف در انتخاب شخصی باین سمت دچار سرگردانی شدند میتوانیم اشخاصی را بایشان معرفی نماییم که مورد اطمینان و اعتماد مردم هم شدند

اسامی چند نفر اشخاص بحال خواب از اینام نامزدهای شهرداری از گوشه و کنار شنیده ایم ولی امیدواریم آقای آصف این بست حساس را که با زندگی مردم سرو کار دارد بدست های بی کفایت سپارند

از شهردار که بگذریم باید دست عناصر کثیف و استفاده چسپ را از دستگاه شهرداری کوتاه کرد. اسامی آنها برای ماروخن است و امیدواریم احتیاجی نشود که نام آنها را تذکر بدیم بلکه قبل از اینکه از این راه دور اسامی آنها را ذکر کنیم آقای آصف دست آنها را گرفته بگویند تا بحال هر چه خوردند به بی است بگذارد چنه روز هم مردم از دست شما راحت شوند در این موضوع هم هر گونه ملاحظه و صرف نظر را باید کنار گذاشت

کسیبونهای تمییز نرخ مرکب از اشخاص بصیر باید دعوت شوند تا نرخهایی که معین می گردد از هر حیث متناسب و درست تشخیص شود و بلافاصله پس از اعلام نرخ بوسیله سازرمان چسپی و صحیح العمل که باید اکثررا تازه استخدام

بقیه از صفحه ۱
باشد باید دست را روی دست گذاشته روی بقیه به خوابدو پاکمال سستی بانظار مرک باشد

اماعتقیده ما

عقیده ما اینست که فعلا باید اظهارات آقای آصف را شنیده ولی فوراً تفاوت مابوسانه نمود بلکه باتوجه باوضع حاضر و اینکه مردم را نمیتوان بحرف خشک و شالی دلغوش نمود منتظر و سه هفته آتی بود که آیا این اظهارات باصل توأم خواهد بود یا از مرحله حرف خارج نخواهد شد. اگر تنها حرف بود البته ما هم باظهار دوست خود تسلیم و باور عقیده خواهیم شد ولی اگر تکالیف در دستگاه سر تا پانصد ادارات کردستان مشاهده شد ناچار باید گفت کردستان در مرحله نوبتی وارد شده و میتوان امید وار بود که اندک اندک کارهای اصلاحی شروع خواهد شد

ولی بانام آنها و باوجود اظهار دوست ما که جوش بی جهت زدن نتیجه ای ندارد نمیتوانیم از چند راهنمایی خود داری کنیم زیرا ولو اینکه فکر بکنیم آنچه می نویسیم مورد عمل قرار نگیرد معذرا خود داری از اظهار نظر را نگاه بزرگتری می نمایم

باین آوردن هزینه زندگی
آقای آصف باین آوردن هزینه زندگی را یکی از هدیه های خود قرار داده بودند زنده کی طاقت فرسای کردستان و گرانی اجناس زهر رقم و هر نوع یکی از مسائل است که مورد توجه عموم کردستانیان بوده و اگر آقای آصف موفق به تنزلی در هزینه زندگی بشوند قطعاً خدمت شایانی نموده اند

گرانی جنس در کردستان از چندین جهت ناشی می شود

۱ - فساد دستگاه شهرداری - دستگاه شهرداری سندج واقعا فاسد است بوده و پول مصرف می شود حقوق ها دریافت می گردد کاری هم نفع مردم انجام نمی شود

تمییز نرخ اجناس نشریفات زایدو بی معنی بیش نیست کسی گوش بحرف شهرداری در باره رعایت نرخ اجناس نمی دهد زیرا کسی و گرانروشان بانکها آن وجوهی که روزانه بازرمان و بعضی مأمورین بی وجدان شهرداری از آنها نفع جیب خود دریافت میدارند اطمینان دارند که تعقیب و مجازاتی در کار نیست و همان پولهایی که هر روز صبح بکارمندان مأمور شهرداری میدهند خود بهترین جواز گرانروشی و اجحاف است

اگر هزینه روزمره کردستان را با تهران بسنجیم خواهیم دید که حتی میوه و خواربار و غیره که کردستان تولید کننده است بر مراتب گرانتر از تهران

آب و نمان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تلفروشی داخله - ۴ ریال
خارجه - ۲۰۰ ریال
خارجه - ۵ ریال
جای اداره - خیابان فردوسی روبروی بانک ملی گلشن ۶۶۵۷

برنامه رادیو های جهان بزبان کردی

۱ - بیروت موج کوتاه	۳۴ / ۳۷	ساعت ۵ نیم بعد از ظهر
۲ - شرق الاردن	۵ / ۴۳	۱۱ و ۵ دقیقه صبح
۳ - مسکو موج بلند	۱۴۱۵	۵ بعد از ظهر
۴ - ایروان	۱۴۱۲	۵ و نیم بعد از ظهر
۵ - بادکوبه	۱۴۱۰	۷ بعد از ظهر
۶ - پاریس موج کوتاه	۲۱ / ۲۵	۵ و ربع بعد از ظهر
۷ - لندن	۱۹ / ۲۴	۵ بعد از ظهر
۸ - بغداد	۳۷ / ۵	۳ و نیم بعد از ظهر
۹ - تبریز	۴۹ / ۳۴	۹ و ربع بعد از ظهر

شکایت نماینده جراند

سقز

اگر چه شکایت واردی که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرانیم موقی بنا رسیده که سرهنگ مفتاری فرمانده پادگان سقز دستنندج است و گویا از کار سانش که آثار قوم آن سالیان دراز بجا خواهد ماند منفسل شده و با بطهران اشعار خواهد گشت ولی برای اینکه مدرك دیگری از جارت این مرد و سوء استفاده از مقام اداری و درجه افسری او بنظر خوانندگان رسیده باشد ذیلا چاپ و به آقای سرهنگ مفتاری و هده می دهیم که برای حلیان خلاف اصول و قانون شکنی ها و دست بندی های ایشان مدار کسی جمع آوری شده و پس از اینکه تکمیل شد به تعقیب حضرت معظمه خواهیم پرداخت

اینکین شکایت وارده

از آنجا که در کشور حقیقت گوئی و انتقاد از اعمال اشخاصی که برای حفظ منافع شخصی مصالح ملتی را فدای هوی و هوس خود و اربابان خود مینمایند همواره بشکست شخص حقیقت گو منتهی میشود این جانب نیز در نتیجه انتقادی که با کمال بی طرفی از آقای اسدی نموده بودم با عکس العمل شدیدی از طرف ایشان مواجه شده و میتوانم ادعا کنم که مقدمات دستخوش ترارل گردیده است

جناب سرهنگ مفتاری بشتدر نظامی در کسبونی که آقای اسدی نیز انتقاد ریاست آنرا داشته و شاید کسبون نامبرده هم با سعی و اهتمام ایشان تشکیل شده بوده است فرموده اند چون کلاهی غیر تکار جراید است نباید بپیمان کار باشد و اکنون درصددند که تنها بصرف این دلیل بی منطق بنده را از این حسرت که هیچگونه مناقاتی با ست نماینده کی و غیر نگاریم ندارد معزوم نمایند

جسای آقاییان اصلاح طلب و آزاد بسفواه خالی است که هزارها از این قبیل دلایل بی بنه و بار که برای معوا اشخاص از طرف آقاییان روسای محل افاده میشود بشنونند و تیار های مفیدی برای مقالات خود بدست میاورند با نهایت بی بیری از جرابی که بنده افتخار نمایندگی آنها دارم استندا میکنم راجع باین موضوع آنچه شایسته دفاع از بکنفر نماینده است در روزنامه های خود معمول دارند غیر نگار و نماینده مرا بدر مطبوعات کلامی

کرد نظارت در عمل بعمل آید

۲ - حرس و طبع فروشنده گان - فروشنده گان مخصوصا آنها یکجه اجناس را از خارج کردستان وارد کرده می فروشنند حرس و ولع عجیبی در استفاده دارند بکم قانع نیستند میخواهند مانند اهزان بکمتریه خریدار را لغت کنند تجارت کردستان در دست اکثریت فاسد و طماعی است سخته کوچکترین حس بشریت ندارند و غیر از پول هیچ چیز ایمن و عقیده ندارند اجناسی را که مثلا از تهران یا حتی همسایان می خرند حاضر نیستند کمتر از دو برابر قیمت بفرشند در مقابل این طمع بی حد و حصر این زالوه های اجناسی هم مانعی نیست که از این همه تنه روی جاو گیری نباید تجارت انحصار بدست مقصوسی شده که باهم تبانی کرده نرخ های فوق العاده گران و طاعت فرسا بر اجناس میگذرانند و مردم بیچاره هم که ناچار بخرید جنس هستند باید هر چه آنها میخواهند بدهند مثلا فلان رویت بیچاره که بشهر می آید و پس از یکسال رحمت میخواهد چند ذرخ کرباس برای پوشاک زن و بچه خود بخرد باید دست بی یکساله خود را تقدیم کند تازه نصف بیشتر بدن عائله اش هم باید لغت نماید تا بر این برای اینکه زندگی این دسته مردمان که اکثریت سکنه کردستان را تشکیل می دهند تا منیم گردد باید از اجحاف این محتکرین خون آشام جاو گیری کرد و با جاو گیری از این بی عدالتی اولاً زنده گی رعیت قدری بهتر شده تا نباید قییت موادی که آنها تولید کننده اش می باشند تنزلی روی خواهد داد

۳ - موضوع حمل و نقل - موضوع حمل و نقل مسئله مهمی است که در تجارت و تغییر وضع بازار بسیار مؤثر است و چون بحث امروز ماندوری طولانی شد تذکرانی در این موضوع را بیهفته آینه موکول خواهیم کرد

آقای جهته استحضار اهالی

محترم سقز

چون آقای اسمعیل شواری موزع بخش جراید است و روزنامه مخصوصا کوهستان توسط ایشان به آدرس آقایان مشترکین فرستاده میشود منتنی است در صورتیکه روزنامه به محض وصول بدست آقاییان فرسید لطفاً دتتر نمایندگی راستمظهر فرمایند

نماینده روزنامه کوهستان - کلامی